## فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428457362)

[ولادت و شهادت امام باقر (ع) 2](#_Toc428457363)

[نصب امام باقر (ع) 2](#_Toc428457364)

[مدت امامت امام باقر (ع) 2](#_Toc428457365)

[حضور امام باقر (ع) در واقعه عاشورا 3](#_Toc428457366)

[سلامی از طرف پیغمبر به امام باقر (ع) 3](#_Toc428457367)

[استفاده از دوران خلفای بنی‌امیه 3](#_Toc428457368)

[امام صادق، امام باقر و جریان سفر به شام 4](#_Toc428457369)

[وضعیت علمی امام باقر و امام صادق (ع) 4](#_Toc428457370)

[طریقه شهادت امام باقر (ع) 5](#_Toc428457371)

[ذکر مصیبت امام حسین (ع) 5](#_Toc428457372)

[خطبه دوم 6](#_Toc428457373)

[فاجعه حجاج در سال 66 6](#_Toc428457374)

[بعد سیاسی مراسم حج 6](#_Toc428457375)

[نسل‌کشی مسلمان‌ها در بوسنی و هرزگوین 7](#_Toc428457376)

[اقدام جنایتکاران در برابر حجاج 8](#_Toc428457377)

[ترس مشرکان از مسلمانان و انقلاب اسلامی 8](#_Toc428457378)

[اقتدار مردم ایران در برابر دشمنان 9](#_Toc428457379)

[دعا 9](#_Toc428457380)

## خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## ولادت و شهادت امام باقر (ع)

ولادت حضرت امام باقر (ع) در اول ماه رجب و سال 57 هجری شمسی بود و قول دیگر این است که در همان سال 57 در سوم ماه صفر متولد شدند، بنابراین تولد امام باقر (ع) سه یا چهار سال قبل از واقعه عاشورا بود، در مورد شهادت آن حضرت هم دو نقل‌قول شده است و قول مشهور این است که هفتم ذی‌الحجه 114 هجری و در زمان هشام ابن عبدالملک ایشان به شهادت رسیدند، و نظر دیگر این است که در سال 117 ربیع الأول به شهادت رسیدند و به خاطر همین است که عمر حضرت از 57 سال تا 60 سال ذکرشده است.

## نصب امام باقر (ع)

مادر حضرت امام باقر (ع) منتصب به امام حسن مجتبی (ع) بود، ایشان اولین امامی است که از طرف پدر به امام حسین (ع) می‌رسد و از طرف مادر به امام حسن (ع) می‌رسد و تعبیری هم که محدثین و تاریخ‌نویسان می‌کنند این است که حضرت علوی بود که از دو علوی متولد شد یعنی هم پدر ایشان از خاندان عصمت و طهارت بود و هم مادر بزرگوار ایشان فاطمه بنت الحسن بود که باز به امام حسن (ع) می‌رسید.

## مدت امامت امام باقر (ع)

بعد از امام سجاد (ع) ایشان به امامت می‌رسند و دوره امامت امام باقر (ع) هجده سال استمرار داشت.

## حضور امام باقر (ع) در واقعه عاشورا

امام باقر (ع) واقعه کربلا را درک کردند، بنا بر اختلافی که وجود دارد ایشان یک کودک 3 تا 5 ساله بودند که در واقعه کربلا همراه پدرشان حضور داشتند، خداوند برای بقاء امامت و ولایت امام سجاد (ع) و این کودک را در جریان عاشورا حفظ فرمودند تا به عنوان حجت خدا در آینده وصایای پیامبر حضرت محمد ابن عبدالله (ص) را متکفّل بشوند، روشن است که حادثه عاشورا بر شخصیت و شکل‌گیری روحیه امام باقر (ع) بسیار مؤثر بود.

## سلامی از طرف پیغمبر به امام باقر (ع)

جابر ابن عبدالله انصاری که از صحابه پیامبر بود و عمر طولانی هم داشت تا زمان امام باقر (ع) زنده بود، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) روزی به جابر می‌گوید که تو زنده هستی تا از نسل من کسی به نام محمد ابن علی پیدا بشود، وقتی‌که او را دیدی سلام من را به او ابلاغ بکن. حضرت در سن کودکی با پدر بزرگوارشان در مجلسی نشسته بودند که جابر ابن عبدالله انصاری وارد شد، حضرت سجاد (ع) به امام باقر (ع) اشاره کردند و فرمودند دست عمویت جابر را ببوس، حضرت هم همین کار را می‌کند اما جابر دست و پای امام باقر را می‌بوسد و بعد آن سلامی که پیامبر بزرگوار اسلام ابلاغ کرده بود را به امام باقر رساند.

## استفاده از دوران خلفای بنی‌امیه

حضرت امام باقر چند خلیفه از خلفای بنی‌امیه را درک کردند، اواخر دوره امام باقر و اوایل دوره امام صادق (ع) دوره فترتی بین بنی‌امیه و بنی‌عباس بود که از این دوره این دو بزرگوار به احسن وجه استفاده کردند، البته در زمان امام باقر (ع) اختناق و فشار آن‌چنانی که از طرف بنی‌امیه نسبت به اهل‌بیت اعمال می‌شد وجود داشت ولی در عین یک مقدار آشوب و مشکلاتی که اطراف دنیای اسلام بود وضع بنی‌امیه را سست کرده بود و از همین سستی هم این دو بزرگوار استفاده کردند.

ولید ابن عبدالملک، سلیمان ابن عبدالملک، عمر ابن عبدالعزیز، یزید ابن عبدالملک و هشام ابن عبدالملک از خلیفه‌هایی بودند که با دوره امامت امام باقر (ع) هم معاصر بودند. عمر ابن عبدالعزیز کسی بود که نسبت به سایر خلفای بنی‌امیه و بنی مروان یک آدم نرم‌تر و ملایم‌تری بود و آن خباثتی که خلفای دیگر داشتند در او نبود و برای تبلیغ و ترویج دین اسلام و تشیّع همین فرصت هم برای امام فرصت خوبی بود، البته هشام ابن عبدالملک که آخرین خلیفه معاصر با امام باقر بود و ایشان را به شهادت رساند آدم بسیار رذل و تندی بود که جریانات متعددی با امام باقر داشت و با ایشان به‌شدت رفتار می‌کرد.

## امام صادق، امام باقر و جریان سفر به شام

در بحار الأنوار و کتب تاریخ از شخصیت امام باقر (ع) نقل‌شده است، امام صادق (ع) می‌گوید که ما یک سال حج مشرف بودیم، پدرم درجایی سخنرانی کردند و خودشان را به عنوان خلیفه بر مردم و جانشین پیامبر و عهده‌دار امور مردم معرفی کردند، پایتخت و مرکز خلافت خلفای بنی‌امیه شام بود و اتفاقاً هشام هم در آن سال به حج آمده بود، این قضیه برای هشام خیلی سنگین بود که در میعادگاه بزرگ مسلمان‌ها و در حج که یک مراسم آن‌چنانی است کسی چنین جرئتی پیداکرده که در مقابل هشام ادعای ولایت و رهبری جامعه را بکند منتها در آن موقعیت نمی‌توانست کاری بکند.

طبق این نقل امام صادق می‌فرمایند که بعدازآن جریان هشام ما را به شام احضار کرد، این مسافرت خیلی پرحادثه و پرمسئله بود و معجزات زیادی هم از این دو بزرگوار در این مسافرت ظهور پیدا کرد.

در دستگاه هشام مسائل متعددی واقع شد و آن شخصیت علمی در آنجا خیلی عجیب تجلی کرد، هشام گفت که ما و شما خویش و قوم و منتصب به عبد مناف هستیم، شما چه مزیتی بر ما دارید؟ حضرت با صراحت فرمودند که خداوند فضیلتی به ما داده است که به دیگران نداده و به خاطر همان است که بر دیگران برتری داریم. این مسئله برای هشام خیلی سنگین بود.

امام صادق نقل می‌کند و می‌گوید من کوچک بودم که با پدرم در خیابان‌های شام وارد شدیم، در آنجا یک جمعی از نصاری به همراه عالم بزرگشان حضور داشتند، دیدیم که این عالم نصرانی برای مردم حرف می‌زند، مردم سؤال می‌کنند و او جواب می‌دهد و همان‌جا یک مناظره‌ای برقرار می‌شود و آن عالم سؤالاتی از امام می‌پرسند و ایشان همه آن‌ها را به‌خوبی جواب می‌دهد و متحیر می‌ماند که یک آدم ناآشنا و ناشناس چطور این همه علم دارد.

جریان سفر به شام تمام شد و حضرت با امام صادق (ع) مجدداً به مدینه برگشتند، در مسیر برگشت از چندین شهر می‌گذشتند، هشام به صورت حساب‌شده به والیان هر شهری نامه نوشته بود که این افراد به شهرتان می‌آیند و شما با شدیدترین وجه با آن‌ها رفتار بکنید که خود این هم‌داستان‌ها و جریان‌های جالبی دارد.

## وضعیت علمی امام باقر و امام صادق (ع)

آنچه درباره شخصیت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برجستگی دارد حرکت علمی وسیعی بود که این دو بزرگوار شروع کردند و اگر آن‌ها را از تاریخ اسلام و تشیّع برداریم روایات، احکام، علوم و معارف اسلام از نصف هم کمتر می‌شود، یعنی شاید بیش از نیمی از معارف، احکام و علوم اسلامی و تاریخ تشیّع وابسته به امام باقر و امام صادق (ع) است و با آن برخوردهای نامناسبی که خلفا با آن‌ها داشتند آن کار بزرگ را انجام دادند، شاگردان بزرگی را تربیت کردند و شیعه و اسلام را از نظر علمی واقعاً زنده کردند.

لقب باقرالعلوم یعنی شکافنده علم‌ها و این متناسب با آن نقشی بود که ایشان متکفل آن بودند، یعنی موقعیت هرکدام از ائمه پیشین تا زمان امام باقر (ع) طوری اقتضاء می‌کرد که در جهت دیگری کار بکنند ولی کار امام باقر و امام صادق عمدتاً کار علمی و فرهنگی بسیار عظیم و بزرگی بود.

عبدالله ابن عطاء از صاحب‌نظران هم‌عصر امام باقر (ع) بود، ایشان می‌گوید که من عالم و دانشمند زیاد دیدم ولی کسی مثل امام باقر (ع) ندیدم و علمای زیادی را دیدم که در برابر علم وسیع و بزرگ حضرت واقعاً متواضع و کوچک هستند، « **مَا رَأَيْتُ الْعُلَمَاءَ عِنْدَ أَحَدٍ قَطُّ أَصْغَرَ مِنْهُمْ عِنْدَ أَبِي جَعْفَر »[[3]](#footnote-3)** هیچ کجا ندیدم که علم علماء این قدر ناچیز جلوه بکند مثل وقتی‌که مقابل امام باقر (ع) قرار می‌گرفتند.

حضرت شاگردانی در رشته‌های مختلف علمی و شاخه‌های مختلف علوم اسلامی و دینی و حتی علومی غیر از علوم رایج دینی داشتند که هر یک از آن‌ها خودشان رجال بزرگ علمی در تاریخ بودند و اسمشان در تاریخ ثبت و ضبط است.

## طریقه شهادت امام باقر (ع)

خداوند این‌طور مقرر کرده بود که اولیاء او و ائمه معصومین با مرگ عادی از دنیا نروند و امام باقر (ع) هم از همین اولیای بزرگ الهی است که با مسمومیت از دنیا رفتند، «**مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ»**[[4]](#footnote-4) هیچ‌یک از ما نیستیم مگر اینکه یا مسموم می‌شویم یا به شهادت می‌رسیم و کشته می‌شویم، این سرنوشتی بود که خداوند برای اولیای بزرگ خودش مقرر کرده بود و امام باقر هم در پایان کار به دست هشام ابن عبدالملک با سمی که در غذای حضرت ریخته بودند به شهادت رسید.

## ذکر مصیبت امام حسین (ع)

شما ای امام باقر، درست است که به شهادت رسیدید اما خود شما هم بر مظلومیت‌های جد بزرگوارتان گریه می‌کردید، قبل از اینکه عاشورا برسد و قبل از اینکه خود حضرت به طرف کوفه حرکت بکنند مسلم را فرستادند، حضرت مسلم با آن وضع فجیع و با آن بی‌وفایی اهل کوفه به شهادت رسیدند، وقتی‌که خبر شهادت مسلم در میانه راه به اباعبدالله الحسین رسید حضرت مسیر را عوض کردند و فرمودند که آماده شهادت باشید، چه وقت لقاء خدا برای اباعبدالله نزدیک شد، ظهر عاشورا بعدازآنکه همه به شهادت رسیده بودند حضرت تنهای تنها در صحرای کربلا فرمود: «**هَل مِن ناصر یَنصُرنی هَل مِن مُعین یُعیننی**، آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

**«بسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْر»[[5]](#footnote-5)**

## خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین .**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُون»[[6]](#footnote-6) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## فاجعه حجاج در سال 66

از سال 66 بعد از واقعه‌ای که رخ داد چند سالی ممانعت کردند که حجاج ما به حج مشرف بشوند، مزدورها و نوکرها تاب تحمل بدگویی به ارباب‌های خود را ندارند و برای همین بود که آن جریان را به وجود آوردند، در خانه امن خداوند با مأموران آمریکایی و استفاده از مشاوران آن‌ها آن فاجعه عظیم و زشت را برای خودشان آفریدند.

## بعد سیاسی مراسم حج

امسال مانع تجمع برائت مشرکین در خانه خدا شده‌اند، این از اصول مسلم و ثابت و قطعی نظام ما است که حج و تجمع مسلمان‌ها در ایام حج باید آمیخته با برائت از همه مظاهر شرک و کفر و الحاد جهانی باشد، این از اصول ثابت حج ابراهیمی و حج محمدی (ص) است و ما با الهام از امام و با بنایی که ایشان ریختند حجمان را جدای از سیاست دنیای اسلام و توجه به دردها و مصیبت‌ها و مشکلاتی که در دنیای اسلام برای مسلمان‌ها وجود دارد نمی‌دانیم و در راستای همان اهداف و آرمان‌ها است که پیام مقام معظم رهبری را برای سال جدید ملاحظه کردید.

اگر مسلمان‌ها آن قدرت را نداشته باشند و اگر نتوان در حج گفت که امروز در نقاط مختلف دنیای اسلام چه بلایی بر سر مسلمان‌ها می‌آورند، از فلسطین گرفته تا لبنان و مصر و الجزایر و تاجیکستان و بوسنی و هرزگوین و نقاط دیگری که مسلمان‌ها در آنجا مبتلا هستند، دیگر کجای دنیا جای این درد است؟ اگر آن تجمع عظیمی که خداوند بر مسلمان‌ها مقرّر کرده است جای طرح این مشکلات اساسی دنیای اسلام نباشد مسلمان‌ها کجا مشکلاتشان را با یکدیگر در میان بگذارند؟

بعد سیاسی حج برای آشنا شدن مسلمان‌ها و احساس همدردی با یکدیگر است، مگر می‌شود بدون بیان اینکه در دنیادارند با مسلمان‌ها چه می‌کنند این احساس را پیدا کرد؟ آیا مسلمان‌ها در خانه خدا و حرم امن الهی نباید حق داشته باشند که پیام مقام معظم رهبری را مطرح بکنند و بگویند که در بوسنی و هرزگوین چه نسل‌کشی فجیع و مفتضحی به دست صرب‌های جنایتکار دارد انجام می‌شود؟ این‌ها را کجا باید گفت؟ آیا نباید در کعبه و بیت‌الله مسلمان‌ها به یکدیگر یادآوری بکنند که گروهی از برادران شما در قلب اروپای مدعی تمدن دارند نسل‌کشی می‌شوند؟

آیا نباید در خانه خدا گفت که در تاجیکستان یک عده اقلیت کمونیست‌های سابق با پشتیبانی روسیه مسلمان‌ها را از صحنه‌های مختلف اجتماعی بیرون می‌کنند و با تمام شدت آن‌ها را از بین می‌برند تا یک کشور و نهاد اسلامی پیدا نشود، آیا نباید در خانه خدا و حج ابراهیمی این را مطرح کرد که در الجزایر مسلمان‌ها آن طور قتل‌عام می‌شوند و در شهرهای مختلف مصر جوان‌های مسلمان به خاطر اسلام‌خواهی و به خاطر فریاد شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد ابن عبدالله (ص) به خاک و خون کشیده می‌شوند؟ اگر آنجا طرح نشود کجا طرح شود؟

ما حتی در برنامه‌های راهپیمایی و تجمعاتی که قبل از سال 66 داشتیم و در سال‌های اخیر هم مسلمان‌ها در مکه و مدینه داشتند روی مسائل ریز دنیای عرب یا خلیج‌فارس و آن جنایاتی که میان عرب‌ها و حکام آن‌ها است ساکت بودیم و فقط شعار مسلمان‌ها علیه آمریکا و شوروی آن وقت و اسرائیل بود.

در زمان جنگ درباره جنگ خودمان با صدام در حج چیزی نمی‌گفتیم که مبادا مسئله عرب و غیر عرب مطرح بشود یا آن‌ها نگویند که عراق کشور اسلامی است و دوست ما است و نمی‌شود این‌ها را مطرح کرد، آن چیزی که در سیاست اسلامی ما مطرح بود شعار و اظهار برائت در برابر آمریکا، اسرائیل و قدرت‌های استکباری و کفر محض بود، چطور می‌شود که یک کشوری تحمل اظهار برائت از مشرکین را نداشته باشد؟

## نسل‌کشی مسلمان‌ها در بوسنی و هرزگوین

سازمان ملل، آمریکا و اروپا به جای اینکه به کمک مردم بوسنی بیایند هرکدام به یک نحوی در سرکوبی این مسلمان‌ها دخالت دارند، در طول این چند ماه همه دست‌ها بسیج شده‌اند و اعلام آتش‌بس، تنظیم قطعنامه و صلح آن‌ها در جهت این است که بوسنی و هرزگوین به عنوان یک کشور مسلمان در اروپا باقی نماند، استان‌های بوسنی و هرزگوین را به‌گونه‌ای تقسیم و مرزبندی کرده‌اند که قدرت اصلی دست صرب‌ها و کروات‌ها باقی بماند و حتی کروات‌ها هم که خودشان با صرب‌ها دعوا دارند به خاطر تحریکی که از بیگانگان می‌شوند مقابل مسلمان‌ها قرارگرفته‌اند.

آیا آن جنایات و نسل‌کشی و تجاوزات بی‌شرمانه‌ای که در مهد دنیای تمدن امروز بدون هیچ مجوزی در حال انجام‌شده است را نباید در حج مطرح کرد؟ اگر یک مردمی بخواهند مصیبت بوسنی و هرزگوین را در خانه خدا مطرح بکنند این چه جرم و جنایتی است و مگر آن تجمع برای همین نیست که دردها را بشناسند و راه علاج آن را پیدا بکنند؟

## اقدام جنایتکاران در برابر حجاج

در سال جاری علیرغم اینکه محل تجمع جایی بود که با مشورت خود عربستان انتخاب‌شده بود و خود آن‌ها هم طبق آن قراردادی که چند سال قبل تنظیم‌شده بود اجازه داده بودند که این تجمع انجام بشود، ما این مشکلات ریز دنیای عرب را در آن مراسم هیچ‌وقت مطرح نمی‌کردیم، حتی این چند سال یک راهپیمایی هم نبوده است و فقط یک تجمع آرام منطقی و متین همراه با اظهار برائت از شرک و کفر جهانی برنامه‌ریزی‌شده بود ولی آن‌ها تحمل همین را هم نداشتند، جلوی راه‌ها را بستند که مردم جمع نشوند و بعد نماینده مقام رهبری از مردم خواسته بود که متفرق بشوند، این جنایتکارانی که در آن سال حجاج خانه خدا را به شهادت رساندند باید پاسخگو باشند.

## ترس مشرکان از مسلمانان و انقلاب اسلامی

انقلاب در مسیر خودش است و آرزوهایی که این‌ها در سر می‌پروراندند که بعد از رحلت امام مردم از صحنه بیرون می‌روند و خط مستقیم انقلاب انحراف پیدا می‌کند نشان می‌دهد که آن انحراف پیدا نشده است و اقرارها و اعتراف‌های خودشان در این است که امروز بنیادگرایی اسلامی خطر بزرگی است که دنیای غرب با آن مواجه است و نشان می‌دهد که ما هنوز هم در برخورد با استکبار هستیم و برای ساختن کشور و حفظ استقلال و عظمت این کشور در برابر بیگانگان وظیفه سنگینی بر دوش داشتیم.

علیرغم آن دیپلماسی بسیار نرم و منطقی و متعادل جمهوری اسلامی در برابر کشورهای حقیر حوزه خلیج‌فارس و علیرغم متانت بسیار صبورانه نظام جمهوری اسلامی با دولت‌های کوچکی که در جنگ تحمیلی در کنار دشمن ما بودند و در جنگ خلیج‌فارس معلوم شد که هیچ قدرتی ندارند و باید بیگانه‌ها قدرت آن‌ها را حفظ بکنند علیرغم همه این‌ها جمهوری اسلامی برای مصالح کلی اسلام و جهان اسلام هم صبر، هم متانت و هم تعادل منطقه خودش را حفظ کرد و سعی کرد در طول این چند سال به‌ویژه بعد از جنگ و در این دوره‌های متلاطم چند سال اخیر هیچ جا بهانه‌ای به دست دشمنان ندهد و سعی بکند این‌ها را جذب بکند که در دیپلماسی ما و در مسافرت‌هایی که در سطح عالی انجام می‌شود همین‌طور است.

اما با همه این‌ها آمریکا پشت سر قضیه است و هرچقدر هم خود این‌ها بخواهند نرم باشند او نمی‌گذارد و واقعاً هم نباید بگذارد برای اینکه آن خطری که از ایران اسلامی متوجه کفر و الحاد جهانی است خطر کمی نیست.

## اقتدار مردم ایران در برابر دشمنان

ما در آستانه انتخابات هستیم، علیرغم خیالاتی که دشمن داشتند که ممکن است مردم کمتر در صحنه حاضر بشوند دیدند که این‌طور نیست، نمونه‌های سال گذشته هم واضح است، در انتخابات آینده هم آن‌ها تعدادی از منافقین را تحریک کرده‌اند که در مرزها عملیات مختصری داشته باشند، البته کاری هم نتوانستند بکنند و نیروهای نظامی ما باقدرت تمام در همان خاک عراق رفتند و مراکز تجمع منافقین و مزدورهای بیگانه را در نوار مرزی و در خاک عراق بمباران کردند و تعداد زیادی از آن‌ها را از بین بردند.

آن‌ها فکر می‌کنند که با این حرکات موذیانه و با بازداشتن مردم از اظهار برائت از کفر و الحاد در خانه خدا مردم سست می‌شوند، اگر مردم ما بر اساس مادیات قدم برمی‌داشتند شاید تجزیه‌وتحلیل‌های آن‌ها درست بود اما مردم ما تابه‌حال نشان دادند که بر اساس معنویات کار می‌کنند و آن رسالت الهی و عظیم الهی که بر دوششان است را کوچک نمی‌شمارند و به یاری خداوند در صحنه‌های حساس انقلاب حضور پیدا می‌کنند.

## دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعد المعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

خدایا دل‌وجان و روح ما را با عبودیت و ذکر و یاد خودت آشنا بفرما، خدایا ما را از بندگان خالص و مخلص خودت قرار بده، خدایا شهدای خانه خدا و همه شهیدان را در جوار رحمت واسعه الهی جای بده، امام بزرگوار و عزیز ما را در جوار اولیای بزرگ الهی و جدّ بزرگوارش قرار بده.

1. . سوره اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102.. [↑](#footnote-ref-2)
3. . ابن الجوزی: تذکرة الخواص 302 – 303، بحار الانوار ج 26 ص 286، الارشاد ص 160. [↑](#footnote-ref-3)
4. . علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص 226. [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره مبارکه العصر.. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102.. [↑](#footnote-ref-6)